تحلیل

قیمت نفت کماکان صعودی ماند

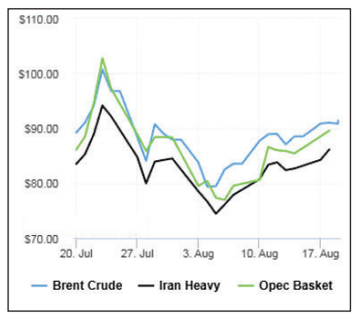

قیمت نفت در معاملات روز چهارشنبه بازار جهانی که سرمایه‌گذاران در حال ارزیابی وضعیت تنگه هرمز بودند، برای چهارمین روز متوالی افزایش یافت. به گزارش ایسنا، قیمت نفت خام برنت با ۶۹ سنت یا ۰.۸ درصد افزایش، به ۹۱ دلار و ۷۱ سنت در هر بشکه رسید، در حالی که قیمت نفت خام وست تگزاس اینترمدیت امریکا با ۷۶ سنت یا ۰.۹ درصد افزایش، به ۸۵ دلار و ۷۰ سنت در هر بشکه رسید. هر دو شاخص روز سه‌شنبه در بالاترین سطح خود در بیش از سه هفته گذشته بسته شدند. دونالد ترامپ، رییس جمهور امریکا، روز سه‌شنبه گفت که هیچ مذاکره‌ای با ایران انجام نمی‌شود و اصرار داشت که تنگه هرمز باز است. سرلشکر محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی در واکنش به ادعای ترامپ گفت: ناتوانی امریکا در بازگشایی تنگه هرمز و ادعای مالکیت بر آن، از فاصله ۷۰۰۰ مایلی بین واشنگتن و خود تنگه بیشتر است. داده‌ها در روز چهارشنبه نشان داد که کشتیرانی از طریق هرمز کند شده است، زیرا اکثر صاحبان کشتی به دلیل عدم وجود سیگنال واضح در مورد بازگشایی آن از محاصره، از این آبراه کلیدی اجتناب کردند. در این بین، چهار منبع آگاه به رویترز گفتند که روسیه در حال تغییر مسیر صادرات نفت خام قزاقستان از بندر اوست-لوگا در دریای بالتیک، به بندر نووروسیسک در دریای سیاه است و با افزایش خطرات امنیتی دریای سیاه، ظرفیت بیشتری برای صادرات نفت روسیه از دریای بالتیک آزاد می‌کند. این اقدام به روسیه اجازه می‌دهد تا بشکه‌های قزاقستان را در اوست-لوگا با صادرات نفت خام خود جایگزین کند، زیرا حملات پهپادی اوکراین، تامین نفتکش‌ها برای بارگیری در دریای سیاه را برای صادرکنندگان روسی دشوارتر کرده است. براساس گزارش رویترز، منابع بازار با استناد به داده‌های موسسه امریکن پترولیوم گفتند که موجودی نفت خام و فرآورده‌های تقطیری امریکا طی هفته گذشته کاهش یافته، در حالی که موجودی بنزین افزایش یافته است. آمار رسمی موجودی از سوی اداره اطلاعات انرژی امریکا قرار است بعدازظهر روز جاری منتشر شود و تحلیلگرانی که توسط رویترز مورد نظرسنجی قرار گرفته‌اند، انتظار دارند که موجودی نفت خام در هفته منتهی به ۱۴ اوت، حدود ۶۰۰ هزار بشکه کاهش یافته باشد.

خبر

کمبود برق مانع استفاده از ربات‌ها می‌شود

محدودیت‌های انرژی در حال تبدیل شدن به یک مانع واقعی در برابر پذیرش رباتیک هستند و این موضوع از این نظر اهمیت دارد که بازارهای کار در اقتصادهای توسعه‌یافته با کمبود جایگزین مواجه هستند.

به گزارش ایسنا، رابرت لیو، مدیر تحقیقات انرژی یکپارچه در شرکت وود مکنزی اظهار کرد: «ربات‌های صنعتی در حال حاضر سالانه ۷۸ تراوات ساعت برق در سطح جهان مصرف می‌کنند و این قبل از آن است که ربات‌های انسان‌نما به مقیاس واقعی برسند. مجموع تقاضا تا سال ۲۰۳۵، می‌تواند به ۳۶۳ تراوات ساعت برسد.»

بنابر تحقیقات جدید وود مکنزی، صنعت رباتیک جهانی ظرف یک دهه، به اندازه تولید برق فرانسه از انرژی هسته‌ای، برق مصرف خواهد کرد.

وود مکنزی هشدار داد: «این یافته در حالی مطرح می‌شود که برنامه‌ریزی ظرفیت انرژی در حال حاضر تحت فشار مراکز داده هوش مصنوعی است و رباتیک را به دومین تقاضای عمدتا مدل‌سازی نشده در زیرساخت‌های برق جهانی تبدیل می‌کند.»

این شرکت در بیانیه‌ای تخمین زد مجموع مصرف برق رباتیک تا سال ۲۰۳۵ سالانه، به ۳۶۳ تراوات ساعت خواهد رسید که سهم ربات‌های صنعتی ۳۵۷ تراوات ساعت و سهم ربات‌های انسان‌نما، سالانه شش تراوات ساعت خواهد بود.

وود مکنزی در این بیانیه تاکید کرد: «رشد بازار رباتیک صنعتی تا سال ۲۰۳۵، برق بیشتری می‌طلبد و به مقیاس مصرف مراکز داده نزدیک می‌شود.» در ادامه آمده است: «پنج میلیون ربات فعال امروز سالانه ۷۸ تراوات ساعت مصرف می‌کنند که تقریبا دو برابر مصرف برق لندن است.» وود مکنزی انتظار دارد که ناوگان عملیاتی تا سال ۲۰۳۵ به ۱۶ میلیون واحد برسد، البته اگر بتواند سرعت فعلی توسعه را ۱۲ درصد در سال حفظ کند. این شرکت خاطرنشان کرد: هیچ کشوری به اندازه چین این بازار را شکل نمی‌دهد و افزود که این کشور بیش از ۷۰ درصد از نصب سالانه ربات‌های صنعتی جهان را به خود اختصاص داده است. شرکت‌های چینی مسوول تقریبا ۹۰ درصد از کل واحدهای انسان‌نمای مستقر در حال حاضر هستند. طبق گزارش وود مکنزی، «شبکه برق دولتی چین مستقیما این موقعیت را نشان می‌دهد. این کشور در سال ۲۰۲۶، یک میلیارد دلار برای خرید ۸۵۰۰ ربات خودکار مجهز به هوش مصنوعی برای بیش از ۶۰۰ وظیفه تخصصی، از تعمیر و نگهداری معمول شبکه گرفته تا کار روی خطوط برق با ولتاژ بسیار بالا، هزینه خواهد کرد.» وود مکنزی اعلام کرد ربات‌های انسان‌نما هنوز در مراحل اولیه عرضه خود هستند، اما هشدار داد که به سرعت در حال رشد هستند. این گزارش افزود: «اگر بازار جهانی تا سال ۲۰۵۰ به یک میلیارد واحد برسد، تقاضای برق از سوی ربات‌های انسان‌نما به تنهایی می‌تواند با کل تولید برق کره جنوبی در سال ۲۰۲۶ برابری کند.» این گزارش افزود: «قیمت‌های رقابتی فزاینده، خریداران بیشتری را به خود جذب می‌کند. میانگین قیمت ربات‌های انسان‌نما بین سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۵، کاهش ۹۳ درصدی یافته و به ۵۸ هزار دلار رسیده است. قیمت ربات جی وان شرکت چینی یونی‌تری رباتیکس اکنون ۱۶ هزار دلار است و هزینه برق سالانه آن برای هشت ساعت کار در روز ۸۲ دلار برای هر واحد (براساس میانگین تعرفه صنعتی جهانی ۰.۱۴ دلار امریکا برای هر کیلووات ساعت) تخمین زده می‌شود که به‌طور قابل توجهی کمتر از هزینه‌های نیروی انسانی در اکثر بازارها است.»

یکی از برنامه‌های اصلی وزارت نیرو، طرح احیا و تعادل‌بخشی آب‌های زیرزمینی است

فرونشست زمین؛ واقعیتی ملموس و نگران‌کننده در کشور

طرح احیا و تعادل‌بخشی آب‌های زیرزمینی به عنوان یکی از برنامه‌های اصلی وزارت نیرو، طی دو سال گذشته با تمرکز بر نصب کنتورهای هوشمند، تحویل حجمی آب، انسداد چاه‌های غیرمجاز، کنترل اضافه‌برداشت و پایش و حفاظت از آبخوان‌ها دنبال شده است. طرحی که با هدف مدیریت برداشت از منابع زیرزمینی، کاهش آثار فرونشست زمین و کمک به پایداری منابع آب کشور اجرا می‌شود.

به گزارش ایسنا، پدیده فرونشست زمین دیگر یک هشدار یا پیش‌بینی دوردست نیست، بلکه واقعیتی ملموس و نگران‌کننده است که دشت‌ها، شهرها و شریان‌های حیاتی زیرساختی ایران را در بر گرفته است. دهه‌ها برداشت بی‌رویه و فراتر از ظرفیت از منابع آب‌های زیرزمینی به‌دلیل رشد فزاینده جمعیت، وقوع خشکسالی‌ها، گسترش کشاورزی ناپایدار و حفر بی‌ضابطه چاه‌های غیرمجاز، افت شدید سطح ایستایی و درنهایت فرونشست تدریجی زمین را رقم زده است. کارشناسان و صاحب‌نظران حوزه آب و زمین‌شناسی همواره تأکید می‌کنند که فرونشست را نباید صرفاً یک رخداد طبیعی تلقی کرد، بلکه این پدیده تهدیدی بنیادین علیه امنیت زیرساختی و توسعه ملی است. شکاف و نشست زمین می‌تواند پایداری سازه‌ها و تأسیسات کلیدی نظیر خیابان‌ها، پل‌ها، فرودگاه‌ها، پالایشگاه‌ها، نیروگاه‌ها، خطوط انتقال نفت، گاز و آب و حتی بناها و آثار تاریخی را با مخاطره جدی مواجه کند. علاوه‌بر آن، ایجاد ترک در سازه‌های مسکونی، شکستگی شبکه جمع‌آوری فاضلاب و کاهش چشمگیر تاب‌آوری ساختمان‌ها در برابر زلزله، از دیگر پیامدهای تخریبی آن به‌شمار می‌رود.

با این حال، دامنه خسارات فرونشست تنها به تخریب سازه‌ها و بلعیدن زمین محدود نمی‌شود؛ تبعات اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی ناشی از خشکیدن چاه‌ها و قنوات، به بروز پدیده‌هایی همچون مهاجرت‌های اجباری اقلیمی، گسترش حاشیه‌نشینی، بایر شدن زمین‌های کشاورزی و تعمیق فقر دامن می‌زند و ابعاد این بحران خاموش را پیچیده‌تر می‌کند.

در برابر این چالش ساختاری، اجرای طرح جامع احیا و تعادل‌بخشی آبخوان‌ها به عنوان یکی از راهبردی‌ترین برنامه‌های وزارت نیرو در دستور کار قرار دارد. براساس اهداف تعیین‌شده در برنامه هفتم توسعه، کشور باید سالانه ۱۵ میلیارد مترمکعب از حجم برداشت آب‌های زیرزمینی را کاهش دهد؛ رویکردی که نیمی از آن با انسداد چاه‌های غیرمجاز و نیمی دیگر از طریق ساماندهی و مدیریت دقیق برداشت چاه‌های مجاز با بهره‌گیری از کنتورهای هوشمند هدف‌گذاری شده است.

این طرح که در سال ۱۳۹۳ به تصویب شورای عالی آب رسید، با هدف مقابله با روند فزاینده کسری مخزن سفره‌های زیرزمینی تدوین شد و بر زنجیره‌ای از اقدامات مدیریتی، نظارتی و فنی از جمله نصب کنتورهای هوشمند، مسدودسازی چاه‌های غیرمجاز، پایش مستمر منابع آب و اجرای طرح‌های تغذیه مصنوعی تأکید دارد. هدف غایی از این اقدامات، صیانت پایدار از ذخایر استراتژیک آب زیرزمینی، جلوگیری از گسترش فرونشست زمین و تضمین حقابه و امنیت زیستی نسل‌های آینده است.

طبق آخرین داده‌ها و آمارهای رسمی، از مجموع ۶۰۹ دشت کشور، بیش از ۴۰۰ دشت در وضعیت ممنوعه یا ممنوعه بحرانی قرار دارند و هم‌اکنون حدود ۳۰۰ دشت به‌طور مستقیم گرفتار پدیده فرونشست زمین هستند. از همین رو، برنامه کاهش ۱۵ میلیارد مترمکعبی ناترازی منابع آب، از مهم‌ترین ابزارهای حاکمیتی برای مهار بحران و تثبیت وضعیت دشت‌ها به‌شمار می‌رود.

در همین راستا، وزارت نیرو طی دو سال گذشته مجموعه‌ای از محورهای عملیاتی و نظارتی را به شرح زیر در صدر برنامه‌های اجرایی خود قرار داده است:

نصب کنتورهای هوشمند: به‌منظور پایش دقیق، شفاف و لحظه‌ای میزان برداشت از چاه‌ها و اعمال مدیریت مصرف بهینه. طرح احیا و تعادل‌بخشی آب‌های زیرزمینی تلاشی ساختاریافته برای ایجاد تعادل میان نیازهای امروز جامعه و صیانت از منابع حیاتی فرداست. دستیابی به هدف کاهش ۱۵ میلیارد مترمکعبی برداشت از آبخوان‌ها و مدیریت شرایط در حدود ۳۰۰ دشت کشور، بیش از هر چیز نیازمند تداوم همکاری‌های بین‌بخشی، هماهنگی نهادهای مسوول و مشارکت مسوولانه و آگاهانه کشاورزان و بهره‌برداران محلی است.

بهره‌گیری از ابزارهای هوشمند مدیریتی در کنار ترویج الگوهای بهینه مصرف، این امکان را فراهم می‌آورد تا علاوه بر کاهش اثرات پدیده فرونشست و حفاظت از زیرساخت‌های عمومی، پایداری دشت‌ها و امنیت آبی کشور برای نسل‌های آینده در فضایی مبتنی بر همدلی و توسعه متوازن تضمین شود.

دولت به جز گران کردن بنزین چه راهی برای مهار ناترازی دارد؟

دولت بایستی به‌صورت ساختاری و به گونه‌ای که نفع مردم در آن باشد، مصرف بنزین را کاهش دهد.

به گزارش تسنیم، بنزین در اقتصاد ایران پرونده بازی است که از دولتی به دولت منتقل می‌شود. پرونده‌ای که نه با یک دولت آغاز شده و نه با یک دولت قابل بستن است. اگر بخواهیم صادقانه به عقب نگاه کنیم، ردپای این ناترازی را هم در سال‌های پیش از انقلاب می‌بینیم و هم در چهار دهه پس از آن، اما اگر به همین سال‌های اخیر بسنده کنیم: در دولت سیزدهم، موضوع ناترازی بنزین به‌طور جدی روی میز قرار گرفت و حتی تصمیم‌هایی در حال شکل‌گیری بود، اما پیش از آنکه به جمع‌بندی نهایی برسد، دولت نیمه کاره تمام شد. در دولت چهاردهم نیز از همان روزهای نخست، بحران انرژی در جبهه‌های بنزین، گاز و گازوییل خودنمایی می‌کرد و مسوولان از همان ابتدا با ابعاد آن آشنا بودند. پس باید از همان ابتدا یک چیز را روشن کنیم: ما امروز با هیچ «غافلگیری» روبه‌رو نیستیم؛ آنچه پیش روی ماست، نتیجه سال‌ها غفلت تدریجی و دیر تصمیم گرفتن است.

متأسفانه یکی از آسیب‌های ساختاری در جامعه ما، فراموشی سریع بحران‌هاست. هر چند وقت یک‌بار، بنا بر اقتضایی یا با جرقه‌ای خاص، ناگهان همه به یک موضوع می‌پردازند و آن را برجسته می‌کنند؛ در حالی که بحران بنزین امری مستمر است و باید به‌طور پیوسته درباره آن گفت‌وگو شود، راه‌حل‌ها بررسی گردد و آمار تولید و مصرف با جزییات قابل تفسیر، رصد شود.

در ادامه، باید تأکید بیشتری بشود که بدون داشتن اطلاعات موثق، تصمیم‌گیری ممکن نیست. صورت مساله‌ای به نام ناترازی بنزین وجود دارد؛ به این معنا که شکافی میان تولید و مصرف ایجاد شده و مصرف از تولید پیشی گرفته است. این موضوع در طول سال‌های مختلف وجود داشته و دولت‌ها به روش‌های گوناگونی (اعم از واردات، افزایش تولید یا مدیریت مصرف) آن را کنترل می‌کردند. موضوع بنزین بیش از هر چیز نیازمند آمار دقیق است. دولت مساله ناترازی را مطرح می‌کند، اما مشخص نمی‌سازد تولید واقعی چقدر است، زیرساخت‌های تولیدی چه وضعیتی دارند (برای مثال، آسیب‌دیدگی در شرایط جنگی بر چه مبنایی ارزیابی شده و آیا بیش برآورد یا کم‌برآورد شده است) و آیا اصلاً امکان افزایش تولید وجود دارد یا خیر. برخی کارشناسان همسو با دولت معتقدند حتی با وجود امکان افزایش تولید، نباید صرفاً به آن اتکا کرد و باید به سراغ بخش مصرف رفت؛ ادعایی که کاملاً نادرست است.

در حال حاضر، آمار دقیقی در دسترس نیست. قرار بود کارت سوخت وضعیت مصرف را شفاف کند: چه میزان مصرف با کارت آزاد انجام می‌شود و چه میزان با سهمیه‌های ۵ تومانی، ۳ تومانی یا ۱۵۰۰ تومانی؟ این افراد در چه دسته‌بندی‌هایی قرار می‌گیرند (قشر ضعیف، مرفه و...)؟ چه نوع خودرویی دارند، شغلشان چیست، راننده تاکسی اینترنتی هستند یا مصرف‌کننده خانوار؟ پاسخ به این پرسش‌ها ضروری است تا اثر تغییر قیمت یا سهمیه بر الگوی مصرف و رفتار جامعه مشخص شود. از سوی دیگر حتی برخی مطالعات و مراکز پژوهشی میزان ناترازی را هم‌واقع‌بینانه نمی‌دانند و معتقدند به خاطر یک دستمال نمی‌توان قیصریه را به آتش کشید و این میزان ناترازی را باید از روش‌های غیرقیمتی کنترل کرد نه شوک قیمتی داد. تنها با داشتن چنین اطلاعاتی می‌توان گفت برای حل این مساله، پازلی در اختیار داریم که باید مشخص کنیم هر بخش آن را چگونه، از کجا و با چه ترتیبی حل کنیم، به گونه‌ای که تبعات و نتایج هر گام نیز از پیش مشخص باشد.

حل مشکل بنزین، تک‌راهکاری نیست؛ بلکه ترکیبی از راهکارهاست: کاهش مصرف از یک‌سو و افزایش تولید از سوی دیگر. اگر بخواهیم از زاویه فردی به این پرسش پاسخ دهیم که الگوی رفتاری و مصرف بنزین در شرایط جنگی چیست، می‌توانیم فارغ از اقدامات دولت برای افزایش تولید یا جلوگیری از قاچاق، به مسوولیت شهروندی بپردازیم. در این حالت، پاسخ در یک کلمه خلاصه می‌شود: «صرفه‌جویی هر چه بیشتر». این امر می‌تواند در قالب کاهش استفاده از وسایل نقلیه شخصی و افزایش استفاده از حمل‌ونقل عمومی محقق شود. به‌طور نمونه، با برنامه‌ریزی مناسب برای سفرهای درون‌شهری می‌توان از ترددهای غیرضروری پرهیز کرد یا با تجمیع کارها، از رفت‌وآمدهای تکراری جلوگیری نمود. همچنین، سرویس دوره‌ای خودرو (تعویض به‌موقع روغن، شمع و تنظیم باد لاستیک) می‌تواند تأثیر مستقیمی بر کاهش مصرف سوخت داشته باشد. شهروندان باید بپذیرند که در شرایط جنگی، پرهیز از سفرهای برون‌شهری و ترددهای غیرضروری یک ضرورت است؛ فرهنگِ «تا زمانی که پمپ بنزین وجود دارد، مصرف خواهم کرد» در شرایط فعلی، نوعی خودخواهی محسوب می‌شود.

البته همان‌طور که اشاره شد، اقدام شهروندی تنها بخشی از مجموعه راه‌حل‌هاست و نمی‌توان از آن انتظار معجزه داشت. دولت بایستی به صورت ساختاری و به گونه‌ای که نفع مردم در آن باشد، مصرف را کاهش دهد؛ از طریق توسعه حمل‌ونقل عمومی، افزایش خدمات الکترونیک و حذف کارهای بروکراتیک که شهروندان را به تردد شهری مجبور می‌کند.

از همین رو باید تأکید شود دولت نباید مردم را مقصر بداند، چرا که آنها هزینه تصمیمات بد و دیرهنگام مسوولان را می‌پردازند. شاید حل بحران بنزین در شرایط غیرتورمی یا غیرجنگی بسیار ساده‌تر بود، اما با تصمیمات اشتباه و تأخیر در تصمیم‌گیری، فرصت حل مساله از دست رفته است. امروز مجبور به اقداماتی هستیم که تبعات سنگین اقتصادی، اجتماعی و حتی امنیتی دارد. در این میان، هشدار اصلی پرهیز از هرگونه شوک درمانی و غافلگیری مردم است. جهش ناگهانی و زیاد قیمت، بدون فراهم کردن زیرساخت‌های غیرقیمتی برای کاهش مصرف، منجر به یک فاجعه در کوتاه‌مدت و افزایش تورم در درازمدت خواهد شد که در شرایط جنگی بسیار خطرناک است. بنابراین دولت به جای تمرکز صرف روی قیمت، باید سراغ خودروها و موتورسیکلت‌های فرسوده برود که قاتلان بنزین هستند. این خودروها عمدتاً به نام طبقه محروم ثبت شده‌اند، اما به کام قاچاقچیان و پرمصرف‌ها تمام می‌شوند. چرا دولت نظارت موثرتری بر کارت سوخت این خودروها اعمال نمی‌کند تا از استفاده غیرقانونی جلوگیری شود؟ البته این به معنای حذف یک‌جای و بدون پالایش این خودروها نیست، چرا که شاید واقعاً این خودرو متعلق به یک مصرف‌کننده واقعی از طبقه متوسط باشد. در نهایت، چند اقدام عملی و کم‌هزینه وجود دارد که دولت می‌تواند با آن التهابات را کاهش بدهد و پیغامی به جامعه بدهد که تمام تلاشش را برای تسهیل امور و کاهش هزینه‌های مردم بخرج می‌دهد: نخست، صدور آنی کارت سوخت و زدودن بروکراسی‌های فرساینده همانند تعویض پلاک و صدور کارت سوخت؛ دوم، پرهیز از سوزاندن سهمیه‌های انباشته‌شده در کارت‌های سوخت و سوم، هدایت نظارت‌ها به سمت قاچاق به جای تنبیه مصرف‌کننده واقعی. فراموش نکنیم که سرپرست یک خانوار ممکن است ماه‌ها سهمیه‌اش را ذخیره کرده باشد تا در تعطیلات نوروز سفری خانوادگی برود. سوزاندن این ذخیره یا کاهش ناگهانی آن، چیزی جز افزودن بر دردسرهای مردم و خدشه‌دار کردن اعتماد عمومی نتیجه‌ای ندارد.

در شرایطی که کشور از هر سو تحت فشار است، تدبیر یعنی همین: نه شوک، نه غافلگیری و نه تحمیل هزینه بی‌تدبیری سال‌های پیش مسوولان بر دوش مردم امروز.

۳۵۰۰ مگاوات به ظرفیت شبکه برق تا هفته آینده افزوده خواهد شد

در جلسه هیات دولت در گزارشی مطرح شد که با افتتاح یک نیروگاه ۵۰۰ مگاواتی و یک نیروگاه سه‌هزار مگاواتی تا هفته آینده، در مجموع ۳۵۰۰ مگاوات به ظرفیت شبکه برق کشور افزوده خواهد شد.

به گزارش مهر، جلسه هیات دولت صبح چهارشنبه ۲۸ مرداد ۱۴۰۵، به ریاست مسعود پزشکیان برگزار شد و در آن، ضمن بررسی گزارش عملکرد و برنامه‌های اجرایی دستگاه‌های مختلف، موضوعات مهمی در حوزه مناسبات اقتصادی با افغانستان، تأمین برق، مقابله با استخراج غیرمجاز رمزارزها، توسعه همکاری‌های بانکی و تجاری با کشورهای عضو بریکس و منطقه و نیز توانمندی‌های صنعت دفاعی کشور مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

در این نشست گزارشی تفصیلی از سفر وزیر جهاد کشاورزی به افغانستان ارایه شد. براساس این گزارش، طرف افغانستانی ضمن استقبال از توسعه مناسبات و ارتقای سطح همکاری‌های دوجانبه، آمادگی خود را برای افزایش مبادلات تجاری میان دو کشور اعلام کرده است.

در ادامه، مهم‌ترین موانع موجود در مسیر توسعه همکاری‌های اقتصادی، از جمله مشکلات گمرکی، تردد در گذرگاه‌های مرزی و کندی فرآیند جابه‌جایی کالا مورد بررسی قرار گرفت.

رییس جمهور با تأکید بر اهمیت راهبردی توسعه مناسبات اقتصادی با افغانستان، تصریح کرد که سطح همکاری‌های دو کشور باید فراتر از وضعیت موجود ارتقا یابد و دستگاه‌های اجرایی موظفند با جدیت و رویکرد مساله‌محور، موانع پیش روی تجارت و ترانزیت را برطرف کنند.

پزشکیان با اشاره به ضرورت تسهیل تردد ناوگان حمل‌ونقل در مرزها اظهار داشت: چه دلیلی وجود دارد که کامیون‌ها در مرز دوغارون ۲۰ روز در صف معطل بمانند؟

در بخش دیگری از جلسه، وزیر نیرو گزارشی از آخرین وضعیت تأمین برق و برنامه‌های توسعه ظرفیت تولید ارایه کرد. بر اساس این گزارش، با افتتاح یک نیروگاه ۵۰۰ مگاواتی و یک نیروگاه سه‌هزار مگاواتی تا هفته آینده، در مجموع ۳۵۰۰ مگاوات به ظرفیت شبکه برق کشور افزوده خواهد شد که نقش موثری در کاهش ناترازی برق خواهد داشت. وزیر نیرو همچنین یکی از چالش‌های مهم بخش انرژی را توسعه فعالیت ماینرها و استخراج غیرمجاز رمزارز عنوان کرد و گزارشی از اقدامات مستمر برای شناسایی و مقابله با این فعالیت‌ها ارایه داد.

وی با اشاره به افزایش موارد نصب و بهره‌برداری از تجهیزات استخراج غیرمجاز، بر استمرار اقدامات نظارتی و مقابله‌ای و ضرورت تقویت سازوکارهای شناسایی و پیشگیری از این فعالیت‌ها تأکید کرد. رییس کل بانک مرکزی نیز گزارشی از حضور در اجلاس بریکس و رایزنی‌های انجام‌شده با کشورهای عضو ارایه کرد و از استقبال و ابراز علاقه کشورهای مختلف برای توسعه همکاری‌ها و تقویت تعاملات اقتصادی و مالی با جمهوری اسلامی ایران خبر داد.

وی همچنین گزارشی از سفر خود به عراق، دیدار با نخست‌وزیر و رییس بانک مرکزی این کشور و گفت‌وگو با شماری از مسوولان عراقی ارایه کرد. در این دیدارها، مسائل و موانع پیش روی تجار ایرانی، به‌ویژه در حوزه صادرات، مورد بررسی قرار گرفته و بر ضرورت پیگیری و رفع مشکلات موجود تأکید شده است.

در ادامه جلسه، سرپرست وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح به مناسبت روز صنعت دفاعی، گزارشی از روند توسعه توانمندی‌های دفاعی و دستاوردهای این حوزه ارایه کرد.

در این گزارش، ضمن تشریح ظرفیت‌ها و پیشرفت‌های صنعت دفاعی کشور، بر رشد قابل توجه توانمندی‌های دفاعی طی دو سال گذشته و توسعه ظرفیت‌های فناورانه در حوزه‌های مختلف، از جمله تولید موشک، پهپاد و سایر تجهیزات دفاعی، تأکید شد. سرپرست وزارت دفاع همچنین نقش حمایت‌های دولت در تقویت زیرساخت‌های دفاعی و توسعه فناوری‌های بومی را تشریح کرد و با اشاره به عملکرد سامانه‌ها و توانمندی‌های دفاعی کشور در مواجهه با حملات گسترده اخیر، این ظرفیت‌ها را حاصل سرمایه‌گذاری مستمر، دانش تخصصی و توانمندی نیروی انسانی کشور دانست.

رییس جمهور ضمن قدردانی از تلاش‌ها و خدمات مدیران، متخصصان و نیروهای مجموعه وزارت دفاع، بر تداوم حمایت همه‌جانبه دولت از نیروهای مسلح تأکید کرد. پزشکیان تصریح کرد: همان‌گونه که در گذشته پشتیبانی کامل از نیروهای مسلح در دستور کار دولت قرار داشته است، این حمایت با وجود محدودیت‌ها و مشکلات موجود نیز ادامه خواهد یافت و دولت در چارچوب مسوولیت‌های خود، برای تأمین نیازمندی‌های نیروهای مسلح و تقویت ظرفیت‌های دفاعی کشور از هیچ تلاشی فروگذار نخواهد کرد. وی تأکید کرد: حفظ و ارتقای اقتدار دفاعی کشور، تقویت زیرساخت‌های راهبردی و رفع موانع پیش روی فعالیت‌های اقتصادی و تجاری، نیازمند هماهنگی، هم‌افزایی و اقدام موثر تمامی دستگاه‌های اجرایی است.

صادرات گاز طبیعی قطر ۵۴ درصد کاهش یافت

صادرات گاز طبیعی قطر از ابتدای ۲۰۲۶ به دلیل جنگ علیه ایران بیش از ۵۴ درصد کاهش داشته است.

به گزارش تسنیم و به نقل از موسسه اس‌اندپی گلوبال انرژی؛ صادرات گاز طبیعی مایع (LNG) قطر در هفت ماهه نخست سال جاری با کاهشی بی‌سابقه مواجه شده و به کمتر از نیمی از میزان مدت مشابه سال قبل رسیده است. این افت عظیم، زنگ خطری جدی برای بازار جهانی انرژی به شمار می‌رود.

آمارها نشان می‌دهد که صادرات LNG قطر در بازه زمانی ابتدای سال تا ۲۲ ژوئیه، از ۴۶.۲ میلیون تن به ۲۱ میلیون تن سقوط کرده است؛ یعنی بیش از ۵۴ درصد کاهش داشته است. این در حالی است که بازار جهانی هنوز در حال تطبیق با کاهش ۲۰ درصدی عرضه جهانی LNG است و این روند در پنج ماه گذشته ادامه داشته است. علت اصلی این کاهش بی‌سابقه، به حملات ایران به تأسیسات انرژی قطر بازمی‌گردد. شرکت قطرانرژی در تاریخ ۴ مارس وضعیت فورس ماژور اعلام کرد و تا ۱۹ مارس، مقامات قطری تأیید کردند که حملات ایران، ۱۷ درصد از تولید LNG این کشور را برای دوره‌ای ۳ تا ۵ ساله تحت تأثیر قرار داده است. این موضوع نشان می‌دهد که با یک بحران بلندمدت در عرضه انرژی مواجه هستیم، نه یک اختلال موقتی. بررسی روند واردات کشورهای مختلف نشان می‌دهد که چین به عنوان بزرگ‌ترین خریدار LNG قطر، بیشترین ضربه را متحمل شده است. واردات این کشور از قطر طی این دوره از ۱۱ میلیون تن به ۵.۱ میلیون تن کاهش یافته است. هند نیز با کاهش از ۶.۷ به ۲.۱ میلیون تن روبه‌رو شده است. تایوان و کره جنوبی نیز هر دو بیش از ۵۰ درصد کاهش در واردات خود از قطر داشته‌اند که نشان از عمق این بحران در سراسر آسیا دارد. امریکای شمالی تا حد زیادی توانسته است کمبود حجم عرضه از خاورمیانه را جبران کند، اما آمارها نشان می‌دهد که در سه‌ماهه دوم سال ۲۰۲۶، کاهش عرضه از منطقه خاورمیانه نسبت به سال قبل به نزدیک ۱۸ میلیون تن رسیده است که این رقم بیش از دو برابر ضربه وارد شده در سه‌ماهه اول سال است. کارشناسان تأکید می‌کنند که این کاهش عرضه، ساختاری و ناشی از تخریب زیرساخت‌های تولید است و نمی‌توان آن را یک افزایش موقتی قیمت یا نوسان فصلی تلقی کرد. بازار جهانی انرژی همچنان در حال بازتعریف قیمت‌ها و یافتن مسیرهای جایگزین برای تأمین نیازهای خود است و این روند احتمالا تا مدت‌ها ادامه خواهد داشت.

ادامه از صفحه اول

بورس در جست‌وجوی ارزش گمشده

البته عملکرد صنایع در این دوره یکسان نبوده است. قیمت‌گذاری دستوری، تثبیت یا کنترل نرخ ارز، محدودیت‌های صادراتی، افزایش هزینه انرژی، ناترازی برق و گاز، تغییر مقررات و تصمیمات ناگهانی سیاستگذار، بر سودآوری صنایع مختلف فشار وارد کرده‌اند. به همین دلیل، برای سنجش ارزندگی نمی‌توان یک نسخه واحد برای همه شرکت‌ها پیچید. ممکن است یک شرکت از افزایش نرخ فروش و رشد درآمد منتفع شده باشد، اما شرکت دیگری به دلیل قیمت‌گذاری دستوری یا جهش هزینه مواد اولیه، نتوانسته باشد تورم را به مصرف‌کننده نهایی منتقل کند.

با در نظر گرفتن این تفاوت‌ها، بازار فعلی در سطح کلان هنوز سیگنال مشخصی از عدم ارزندگی ارایه نمی‌دهد. این گزاره به معنای ارزنده بودن بدون استثنای تمامی نمادها نیست، بلکه نشان می‌دهد فاصله کلی قیمت‌ها از متغیرهای بنیادی، دست‌کم با ابعاد مشاهده‌شده در سال ۹۹ قابل مقایسه نیست. در چنین فضایی، تحلیل صورت‌های مالی، کیفیت سود، جریان نقد عملیاتی، ساختار بدهی، سیاست تقسیم سود و ریسک‌های مختص هر صنعت اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

بازار پس از هر دوره رشد می‌تواند وارد مرحله استراحت یا اصلاح شود. این اصلاح لزوما نشانه پایان روند یا آغاز سقوطی مشابه سال ۹۹ نیست. بخشی از اصلاحات برای تخلیه هیجان، جابه‌جایی سهام میان سرمایه‌گذاران، تعدیل انتظارات و نزدیک‌شدن قیمت‌ها به متغیرهای واقعی ضروری است. بنابراین احتمال نوسان، توقف یا اصلاح قیمت‌ها در محدوده‌های فعلی وجود دارد، اما نباید هر عقب‌نشینی بازار را معادل تکرار بحران سال ۹۹ در نظر گرفت.

اتفاقا یکی از نقاط قوت حرکت کنونی بازار، شکل تدریجی و به‌اصطلاح «لاک‌پشتی» آن است. بورس نه با شتاب افراطی در حال صعود است و نه نسبت به اخبار و ریسک‌ها بی‌تفاوت عمل می‌کند. بازار به تحولات سیاسی، نرخ ارز، تصمیمات اقتصادی، گزارش‌های ماهانه و صورت‌های مالی شرکت‌ها وزن می‌دهد و همین واکنش متعادل می‌تواند از شکل‌گیری هیجان فراگیر جلوگیری کند. رشدی که با توقف، اصلاح و ارزیابی مستمر همراه باشد، از منظر پایداری به مراتب مطلوب‌تر از جهش‌های سریع و بدون پشتوانه است.

سناریوی سال ۹۹ را نمی‌توان به سادگی برای بازار فعلی تکرارپذیر دانست. تفاوت چشمگیر ارزش دلاری بورس، بهبود درآمد اسمی بسیاری از شرکت‌ها، تورم انباشته در دارایی‌ها و نبود نشانه‌های فراگیر از ارزش‌گذاری افراطی، شرایط امروز را از آن دوره متمایز کرده است. بازار ممکن است پس از رشد اخیر به استراحت نیاز داشته باشد، اما این استراحت را باید بخشی طبیعی از مسیر دانست. اگر بورس به حرکت آرام، تحلیلی و متناسب با تحولات بنیادی ادامه دهد، همین رشد کم‌شتاب می‌تواند مهم‌ترین عامل محافظت از بازار در برابر شکل‌گیری حباب و تکرار تجربه تلخ سال ۱۳۹۹ باشد.

ناترازی در گاز یا ناترازی در انرژی؟

تنوع‌بخشی به سبد انرژی کشور نقش تجدیدپذیرها و آمایش سرزمین را حساس‌تر می‌کند. ما راهی نداریم جز اینکه سبد انرژی کشور را با منابع تجدیدپذیر (خورشیدی، بادی و...) تکمیل کنیم، همچنانکه بسیاری از کشورهای جهان حتی با ذخایر فسیلی قابل توجه، سهم رو به رشدی از انرژی پاک را در برنامه خود دارند. برای نمونه گفته می‌شود چین با وجود برخورداری از ذخایر عظیم زغال‌سنگ، سهم این منبع را در سبد انرژی خود به ۵۴ درصد محدود کرده و همزمان با جدیت به سمت توسعه منابع پاک حرکت می‌کند. در ایران نیز